

برابری انسان‌ها در ساختار جوهری

خداوند متعال ساختار و حقیقت انسان‌ها را برابر آفرید و سرمایه‌های لازم فطری و غریزی را در اختیار یکایک آنان قرار داد؛ هم مجاری ادراک، یادگیری و تفکر را در اختیارشان نهاد تا بتوانند علوم حصولی را فراگیرند:

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ
السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^۱

و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود درحالی‌که هیچ چیز نمی‌دانستید؛ و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را به جا آورید.

و هم فطرت الهی به همه آنان داد^۲ تا خوب و بد را تشخیص دهند:

۱. نحل: ۷۸.

۲. آفرینش همه انسان‌ها الهی است و تباهی و شقاوت امری عارضی است که به اختیار خود انسان عارض می‌شود. معنای روایت «الشقی شقی فی بطن امه و السعید سعید فی بطن أمه» این است که خدای سبحان می‌داند برخی به سوء اختیار خودشان مسیر نادرست را طی می‌کنند، نه اینکه آنان شقی آفریده شده باشند.

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا﴾^۱

و سوگند به نفس آدمی و آنکه آن را درست و نیکو نمود، پس بزه‌کاری و پرهیزکاری‌اش را به او الهام کرد. بی‌تردید کسی که نفس را [از آلودگی پاک کرد و] رشد داد، رستگار شد. و کسی که آن را [به آلودگی‌ها و امور بازدارنده از رشد] بیالود [از رحمت حق] نومی‌شد.

همان‌طور که خدای سبحان به انسان حسّ شامه داده است تا بوی بد و خوب را تشخیص دهد، فطرت و سرشت الهی نیز داده است تا خوب و بد را بفهمد.

انسان به سبب این فطرت و سرشت الهی، موفق به درک مفاهیمی مثل عدل و ظلم می‌شود. گرچه آگاهی انسان نسبت به عدل و ظلم یکسان است، اما گرایش او به آنها یکسان نیست، بلکه بر حسب فطرت الهی خواستار عدل است و فطرتاً از ظلم متنفر است. برای کودکانی که از رنگ الهی خود فاصله نگرفته‌اند، راستی و دروغ یکسان نیست، بلکه گرایش آنها به راست‌گویی است و دروغ را بعداً فرا می‌گیرد.

بعضی از افراد با گناه و معصیت، به روی فطرت الهی خود خاک می‌پاشند و

۱. شمس: ۱۰-۷.

کلمه «الهام» که مصدر «ألهم» است، به معنای آن است که تصمیم و آگاهی و علمی از خبری در دل آدمی بیافتد، و این خود افاضه‌ای است الهی، و صور علمیه‌ای است یا تصویری و یا تصدیقی که خدای تعالی به دل هرکس که بخواهد می‌اندازد، و اگر در آیه شریفه، هم تقوای نفس را الهام خوانده و هم فجور آن را، برای این بود که بفهماند مراد از این الهام این است که خدای تعالی صفات عمل انسان را به انسان شناسانده، و به او فهمانده عملی که انجام می‌دهد تقوا است و یا فجور است. المیزان: ج ۲۰، ص ۲۹۶.

به تعبیر قرآن، آن را دفن می‌کنند^۱ و ساختار جوهری و حقیقت الهی خود را عوض می‌کنند.

چنین کسانی بدی‌ها را خوب می‌بینند. همانند کسی که در اثر تغییر ماهیت ریه، دود را بر هوای سالم ترجیح می‌دهد، این افراد، دورغ و ناروایی را بیش از صداقت و انسانیت می‌پسندند.

از آنجا که خداوند متعال سرمایه‌های اولیه را به طور مساوی در اختیار همه انسان‌ها قرار داده و آنها را در حقیقت انسانی و ساختار جوهری برابر آفریده، قوانین اسلام، مجازات‌ها و پاداش‌ها برای همه انسان‌ها یکسان است.

البته تفاوت انسان‌ها از نظر صورت و استعداد و توانایی ذهنی، از عنایات خداوند متعال در حق انسان‌ها است و برای برقراری نظام اجتماعی ضرورت داشته است؛ همان‌طور که اگر انسان‌ها از نظر صورت برابر بودند، نظام اجتماعی شکل نمی‌گرفت، اگر از نظر استعداد و علاقه نیز برابر بودند، نظام اجتماعی فرو می‌پاشید. فرموده امام صادق علیه السلام نیز بر همین حقیقت اشاره دارد که فرمود: «النَّاسُ مَعَادِنٌ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ»^۲ مردم معادنی هستند مانند معدن‌های طلا و نقره».

۱. شمس: ۱۰.

۲. الکافی: ج ۸، ص ۱۷۷.